

فلسفه فتوا می‌دهد که علم دینی وجود دارد



آیت‌الله جوادی آملی در پیام خود به همایش علوم انسانی قرآن‌بنیان گفت: فلسفه به وجود علم دینی فتوا می‌دهد، عقل و نقل دو چراغ هستند که ما را به آن مفهوم می‌رسانند.

به گزارش خبرگزاری مهر، همایش علمی پژوهشی علوم انسانی قرآن‌بنیان امروز ۲۷ اردیبهشت‌ماه با تلاوت قرآن توسط احمد ابوالقاسمی، قاری بین‌المللی قرآن در دانشگاه علامه طباطبایی آغاز به کار کرد.

در ابتدای این مراسم، پیام تصویری آیت‌الله جوادی آملی پخش شد که مشروح آن در ادامه می‌آید.

دانشگاه وقتی اسلامی می‌شود که علمش واقعاً اسلامی شود. اصل مطلب آن است که دانشگاه وقتی اسلامی می‌شود که علم دینی داشته باشیم، اما اینکه علم دینی در عالم وجود دارد را چه کسی باید جواب بدهد؟ فقه و علوم دیگر نمی‌توانند این فتوا را بدهند، تنها علمی که کرسی این جواب را دارد، فلسفه است. این فتوا را فقط یک فیلسوف می‌تواند بدهد چون فلسفه از هست و نیست بحث می‌کند.

فلسفه این ابزار را دارد که جهان را ببیند که آیا دین هست یا نه؟ فیلسوف وقتی وارد بحث می‌شود، اگر کج‌راه رفته باشد و براساس معرفت‌شناسی حسی کار کند، دین را نمی‌بیند و وقتی دین را ندید، علم را منکر می‌شود و به فلسفه الحادی آلوده می‌شود و همه علوم عالم را ضد دین می‌کند، اما اگر فلسفه، فلسفه الهی بود، راه راست را رفت نه کج را و ثابت کرد که انسان قارچ‌گونه از زمین بر نخواست است. وقتی نظم دقیق علمی را می‌بیند، می‌فهمد که خدا هست، پس دین در عالم هست. فهم این مطلب دو برکت دارد، فلسفه را زنده می‌کند و فلسفه الهی می‌شود و دیگر اینکه همه علوم را دینی می‌کند. شیمی و فیزیک غیر دینی نخواهیم داشت. اگر موضوع علمی فعل خداست، پس علم دینی است. کل جهان را خدا آفریده و اگر کسی درباره جرم، نور و غیره بحث می‌کند یعنی درباره فعل خدا صحبت می‌کند. پس درباره علم دینی صحبت می‌کند. اسلامی کردن دانشگاه‌ها کار مقدماتی و لازم است. حرف اصلی دانشگاه را دانش می‌زند حال که فلسفه فتوا داد که علم دینی داریم عقل و نقل دو چراغ هستند که ما را به آن مفهوم می‌رسانند و عقل چراغی است که گاهی به دست حکیم و گاهی به دست فقیه است.

مطلب بعدی علوم انسانی براساس قرآن‌بنیانی و بنیان قرآنی است. قرآن انسان را حیوان ناطق معرفی نکرده است. انسان حیوان ناطق نیست اتفاقاً جای همایشی در مورد مشترکات بین انسان و فرشته خالی است. انسان مشترکاتی با فرشته‌ها دارد نه حیوانات؛ در قرآن بسیاری اوصافی که برای فرشتگان بیان می‌شود برای انسان نیز بیان می‌شود. مرگ به معنای پوسیدن نیست به معنای از پوست به درآمدن است و تنها موجودی که از صفر تا صد را می‌تواند طی کند انسان است. حیوان که به لقاء الهی نمی‌رسد. قرآن که بنیان علوم انسانی را دارد ثابت می‌کند انسان موجود ابدی است. مرگ چیزی نیست که انسان را از پای دربیاورد. انسان مرگ را می‌میراند. علمی می‌خواهیم که در همه امور بر این تکیه کند که انسان موجودی ابدی است. ما با جهان مشترکات فراوانی در حقوق ملی، منطقی و بین‌المللی‌مان داریم، اما ما دستمان پر است و آنها دستشان خالی است.

در بخش مبانی علوم انسانی کلید به دست عدل است یعنی همه مبانی باید عدل‌مدار و عادلانه باشد. عدل یعنی هر چیزی را سر جای خود بگذاریم. ما می‌گوییم که جای اشیاء و اشخاص را اشیاء و اشخاص آفرین می‌گویند. اما آنها می‌گویند که ما جای اشیاء و اشخاص را تعیین می‌کنیم. تمام اختلاف بین موحد و ملحد این است که ما ابراهیمی فکر می‌کنیم، ولی آنها نه. آشتی‌پذیر هم نیست. آنها انسان را تا گور و مرگ خلاصه می‌کنند و ما می‌گوییم مرگ اوایل راه است.